

کودکان در بهشت؟

آنچه خدا درباره کودکانی که می‌میرند می‌گوید

Publifye AS



کودک از پیش از آن اوست

در سال ۲۰۱۶ سؤالی از خدا پرسیدم که خودم نمی‌توانستم پاسخش را بیابم. سؤال درباره کودکان بود – آنانی که می‌میرند پیش از آنکه بزرگ شوند و چیزی بفهمند، چه رسد به آنکه انتخاب کنند. اگر کتاب مقدس می‌گوید که انسان باید ایمان آورد و تعمید گیرد، بر سر کودکی که هرگز فرصت هیچ‌یک را نیافت چه می‌آید؟

او با یک کلمه پاسخ داد. تنها یک کلمه. **غسل**.

معنایش را نمی‌دانستم. ناچار شدم آن را جست‌وجو کنم.

آن کلمه

به معنای شست‌وشوی آیینی است – به‌ویژه شست‌وشویی که کاهنان پیش از آنکه بتوانند به حضور خدا بیایند از آن می‌گذشتند. و آنگاه که هارون تقدیس شد، کتاب مقدس به‌دقت می‌گوید چه کسی این کار را کرد:

لاویان ۸:۶، ترجمه قدیم: پس موسی هارون و پسرانش را نزدیک آورد، و ایشان را به آب غسل داد.

کاهن خود را غسل نداد. دیگری او را غسل داد. آن طهارت بر مردی انجام شد که نمی‌توانست آن را برای خود انجام دهد.

هیچ توضیحی به من داده نشد. تنها همان کلمه. ده سال طول کشید تا بفهمم پاسخ در درون آن نهفته بود.

آنچه خدا درباره کودکان می‌گوید

زیرا خدا درباره کودکان چنین می‌گوید، و آن را آشکارا می‌گوید:

حزقیال 18:4، ترجمه قدیم: «اینک همه جانها از آن منند؛ چنانکه جان پدر است، همچنین جان پسر نیز، هر دوی آنها از آن من می‌باشند. هر کسی که گناه ورزد او خواهد مرد.»

ترتیب این آیه را به آرامی بخوانید، زیرا همه چیز در آن است. **هر جانی از آن خدا آغاز می‌شود.** آنچه جانی را از او جدا می‌کند، گناه خود آن جان است – و کودکی خردسال هیچ گناهی نکرده است.

او فراتر می‌رود، و مهربان‌تر. کودکان تنها به خدا راه داده نشده‌اند؛ آنان از آن او خوانده شده‌اند – «اینک پسران میراث از جانب خداوند می‌باشند و ثمره رحم، اجرتی از اوست» (مزامیر ۱۲۷:۳). و هنگامی که کودکان را نزد عیسی آوردند و شاگردانش خواستند آنان را بازگردانند، همین بازگرداندن بود که او را به خشم آورد:

مرقس 10:13-16، ترجمه قدیم: «و بچه‌های کوچک را نزد او آوردند تا ایشان را لمس نماید؛ اما شاگردان آوردگان را منع کردند. چون عیسی این را بدید، خشم نموده، بدیشان گفت: «بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند و ایشان را مانع نشوید، زیرا ملکوت خدا از امثال اینها است. هرآینه به شما می‌گویم هر که ملکوت خدا را مثل بچه کوچک قبول نکند، داخل آن نشود.» پس ایشان را در آغوش کشید و دست بر ایشان نهاده، برکت داد.»

ملکوت خدا از امثال اینها است. و بنگرید با آنان چه کرد، زیرا به آسانی از کنارش می‌گذریم: او آنان را غسل نداد، و آنان را تعمید نداد. ایشان را در آغوش کشید و برکت داد. آنان دقیقاً همان‌گونه که بودند پذیرفته شدند – پیش از هر آیینی، و پیش از هر ایمانی از آن خودشان.

و باقی کتاب مقدس همین را به هر زبان می‌گوید. فرشتگان آنان «دائم در آسمان روی پدر مرا که در آسمان است می‌بینند» (متی ۱۸:۱۰). و «اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که یکی از این کوچکان هلاک گردد» (متی ۱۸:۱۴). و آنگاه که داود فرزند شیرخوارش را از دست داد، نگفت که کودک گم شده است؛ گفت: «من نزد او خواهم رفت لیکن او نزد من باز نخواهد آمد» (دوم سموئیل ۱۲:۲۳).

و ببینید چه شد آنگاه که تمام نسلی از بزرگسالان به سبب بی‌ایمانی در بیابان افتادند. دقیقاً همان کودکان بودند که داخل شدند:

تثنیه 1:39، ترجمه قدیم: «و اطفال شما که درباره آنها گفتید که به یغما خواهند رفت، و پسران شما که امروز نیک و بد را تمیز نمی‌دهند، داخل آنجا خواهند شد، و آن را به ایشان خواهم داد تا مالک آن بشوند.»

آنان که هنوز نیک را از بد تمیز نمی‌دادند از اردن گذشتند و آن سرزمین را یافتند. آنان که بهتر می‌دانستند و ایمان نیاوردند، بازماندند.

به تو، که این را با یاد کودکی می‌خوانی

اگر این را می‌خوانی از آن رو که کودکی را از دست داده‌ای، یا از آن رو که برای کودکی می‌ترسی، آن را چنان ساده که کتاب مقدس می‌گوید بشنو:

کودک تو از پیش از آن اوست. هیچ کاری نبود که تو در انجامش کوتاهی کرده باشی.

هیچ آیینی از دست نرفت. هیچ کلمه‌ای ناگفته نماند. هیچ چیز نه دیر انجام شد و نه هرگز انجام نشده ماند. کودک ناچار نبود به خدا برسد؛ خدا هرگز او را رها نکرده بود. و طهارت کسی که نمی‌تواند خود را طاهر سازد، هرگز کار آن کودک نبود – و نه کار تو:

حزقیال 36:25، ترجمه قدیم: و آب پاک بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد. و شما را از همه نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت.

توجه کن چه کسی می‌پاشد. او می‌پاشد.

یک نتیجه از این برمی‌آید

و این را یک بار می‌گویم، و به نرمی. اگر کودکی ایمن است از آن رو که خدا او را نگاه داشته است، پس هیچ آیینی هرگز او را ایمن نساخت – و هرگز به هیچ آیینی نیاز نبود. آبی که مسیح فرمان داد برای کسی است که می‌تواند بشنود، ایمان آورد و برای خود پاسخ دهد؛ آن آب برای آن کودک، در وقت خودش، منتظر می‌ماند، همچون اعتراف ایمانی که هنوز آن را ندارد. آن آب هرگز یک نجات نبود. آن کودک هرگز در خطر نبود.

و آبی که کشیشی می‌ریزد

شست‌وشوی یک نوزاد آن تعمیدی نیست که کتاب مقدس فرمان می‌دهد. پطرس خود این آیین را با کنار گذاشتن صریح آن تعریف می‌کند:

اول پطرس 3:21، ترجمه قدیم: که نمونه آن یعنی تعمید اکنون ما را نجات می‌بخشد (نه دور کردن کثافت جسم بلکه امتحان ضمیر صالح به سوی خدا) بواسطه برخاستن عیسی مسیح،

نه دور کردن کثافت جسم – بلکه امتحان ضمیر صالح به سوی خدا. ضمیری که آزموده می‌شود از آن خود شخص است، و نوزاد چنین ضمیری ندارد که آزموده شود. و آن آب روح القدس را نیز نمی‌بخشد: در خانه کرنیلیوس روح بر همه آنانی نازل شد که «کلام را شنیدند»، و تنها پس از آن سخن از آب رفت (اعمال ۱۰:۴۴-۴۷). روح نخست آمد؛ آب از پی آن. شرح کامل این موضوع در [از میان آب‌ها آمده است](#).

پس آن را هر گونه که به آن نیاز داری بگیر. اگر بر کودک تو در نوزادی آب ریختند، آن نبود که او را نجات داد. و اگر هرگز نریختند، چیزی از او دریغ نشد. مسیح هیچ‌یک را نکرد – او ایشان را در آغوش کشید و برکت داد.

اگر می‌خواهی این را بیشتر دنبال کنی: شرح کامل‌تر آن کلمه و آنچه بدان انجامید در تولد دوباره آمده است؛ آنچه کتاب مقدس واقعاً درباره تعمید نوزادان می‌گوید در بر پایه ایمان خود تعمید یافته بررسی شده است؛ و تمام مبنای کتاب مقدسی برای تعمید بر پایه ایمان شخصی در از میان آب‌ها شرح داده شده است.

او یک کلمه به من داد و هیچ توضیحی، و اعتماد کرد که بروم و بیابم معنایش چیست. این است آنچه یافتم: کاهن خود را غسل نداد. کودک نیز خود را غسل نمی‌دهد. آن طهارت همواره از آن خدا بود که ببخشد.

How this was made

This is the author's own work. It was composed with [junifye](#) and an AI assistant, drawing its Scripture and original-language work (Greek, Hebrew, cross-references) from [Darash](#) (Hebrew darash, "to seek, inquire, study"), a tool and reference work for the Bible in its original languages.

A gift of support — [Stripe](#)



Scan to read this book online